

سیلوستر دو ساسی، ایران‌شناس فرانسوی

طهمورث ساجدی (دانشگاه تهران و مرکز پژوهشی زبان خارجی)

سیلوستر دو ساسی^۱ (۲۱ سپتامبر ۱۷۵۸ پاریس - ۲۱ فوریه ۱۸۳۸ پاریس)، از بنیان‌گذاران خاورشناسی نوین فرانسه و اروپا در نیمه اول قرن نوزدهم و استاد زبان‌های عربی و فارسی، در خانواده‌ای اشرافی متولد شد؛ در کودکی، پدرش را از دست داد و مادرش تعلیم او را به مربی خصوصی سپرد. دو ساسی دوران تحصیلی خود در زبان‌های لاتینی و یونانی را با موفقیت گذراند (REINAUD 1870, p. 205). در همین اوان، دو ساسی نوجوان، به همراه مربی خود، به صومعه سن ژرمن دپره^۲ به دیدار گابریل برترو^۳، کشیش انجمن سن مور^۴ می‌رفت که، در آن ایام، مشغول تدوین *جنگ مؤرخان اسلامی جنگ‌های صلیبی*^۵ بود. ظاهراً نخستین نشانه‌های علاقه او به زبان‌های شرقی در همین روزها پدید آمد. پس از انتشار ترجمه زنداوستا (۱۷۷۱) به زبان فرانسه به قلم آنکتیل دوپرون^۶، توجه دو ساسی به زبان و فرهنگ ایران باستان جلب شد. وی، به سال ۱۸۰۱، مقاله‌ای با عنوان «نکاتی درباره نسخه‌های خطی به جا مانده از برترو» در مجله دانشنامه‌ای به چاپ رساند.^۷

1) Antoine-Isaac Silvestre de Sacy

2) L'Abbaye Saint-Germain des Près

3) Gabriel BERTHEREAU

4) Congrégation de Saint-Maur

5) *Recueil des historiens arabes des Croisades*

6) ANQUETIL-DUPERRON, *Zend-Avesta* (1771)

7) "Notice des manuscrits laissés par D. Berthereau", *Magasin encyclopédique*, 1801, t. 2, pp. 7-24.

پس از آن، دو ساسی به فراگیری زبان عبری روی آورد که آشنایی با آن را برای فهم کتاب مقدس لازم می‌شمرد. سپس توجه او به زبان‌های سریانی، کلدانی، اتیوپیایی، و عربی گرایید و، در جنب این زبان‌های شرقی، به آموختن زبان‌های ایتالیایی، اسپانیایی، انگلیسی، و آلمانی پرداخت. (Ibid)

در این سال‌ها، تحقیق درباره نسخه‌های خطی کتاب مقدس در دستور بود که نتایج آن در نشریات مختص نقد و بررسی این کتاب انتشار می‌یافت. دو ساسی نخستین تحقیق خود در این باب را، به سال ۱۷۸۳، با عنوان «نامه‌های سامریان به ژوزف اسکالیژر» در مجموعه متون انجیلی و شرقی^۸، اثر یوهان گوتفرد آیشهورن^۹ منتشر کرد. (Ibid, p. 206)

وی متعاقباً به آموختن زبان‌های فارسی و ترکی همّت می‌گمارد اما دیری نمی‌گذرد که زبان ترکی را رها می‌کند و، با شوق تمام، به زبان‌های عربی و فارسی مشغول می‌گردد. (Ibid)

دو ساسی، چند صباحی پیش از سال ۱۷۸۷، سال آغازین انتشار نتایج تحقیقات ایران‌شناسی او، هم‌زمان، به ایران باستان و ایران اسلامی علاقه‌مند می‌گردد و زبان فارسی را نزد اتین لوگران^{۱۰}، مترجم همایون، استاد زبان‌های عربی و ترکی و فارسی در مدرسه السنه برای جوانان^{۱۱}، می‌آموزد (Ibid). وی متن فارسی پندنامه منسوب به شیخ فریدالدین عطار نیشابوری را، که ترجمه آن به سال ۱۸۱۱ در جلد دوم ذخایر مشرق‌زمین^{۱۲} چاپ شده بود، در سال ۱۸۱۹ منتشر می‌کند و، در مقدمه به زبان فارسی خود بر این چاپ می‌نویسد: «این ترجمه، که از سال ۱۷۸۷ آغاز شده بود، می‌بایست سی سال پیش به چاپ برسد که نرسید و من این کار را به کلی از یاد برده بودم تا آنکه انتشار مجموعه ذخایر مشرق‌زمین فرصت نشر آن را به من داد». (دو ساسی، «مقدمه» بر پندنامه، ص ۱۳)

کارستین نیبور^{۱۳}، خاورشناس و جهانگرد آلمانی که در خدمت دولت دانمارک بود، در سال ۱۷۶۵، از کتیبه‌های تخت جمشید سواد دقیقی برداشته و به اروپا فرستاده بود که

8) "Litterae Samaritanorum ad Josephum Scaligerum datae...", in *Repertorium für biblische und morgenländische Literatur*, 1783, t. 13, pp. 257-273.

9) Johann-Gottfried ERICHORN

10) Etienne LEGRAND

11) Ecole des Jeunes de Langues

12) *Fundgruben des Orients (Les Mines de l'Orient)*

13) Carsten NIEBUHR

علاقه دو ساسی را به ایران باستان برانگیخت. دو ساسی، با بهره‌جویی از دانش خویش در زبان یونانی و مددگرفتن از فرهنگ پهلوی آنکتیل دوپرون مندرج در جلد دوم ترجمه زند اوستا، موفق شد نام اردشیر، شاهنشاه ساسانی، را در کتیبه‌های نقش رستم سپس نام شاپور دوم را، در کتیبه‌های کرمانشاه بخواند. او، درباره کتیبه‌ها و سکه‌های عصر ساسانی، چهار رساله - آثار نقش رستم^{۱۴} (۱۷۸۷)؛ کتیبه‌های عربی و فارسی چهل منار^{۱۵} (۱۷۸۸)؛ سکه‌های شاهان سلسله ساسانی^{۱۶} (۱۷۹۰)؛ یادمان‌ها و کتیبه‌های کرمانشاه و بیستون در کردستان^{۱۷} (۱۷۹۱) - نوشت و در فرهنگستان کتیبه‌ها و ادبیات^{۱۸} قرائت کرد. وی، سپس، مجموعه آنها را با عنوان رساله‌هایی درباره آثار باستانی ایران، سکه‌های شاهان ساسانی، به همراه تاریخ این سلسله به ترجمه از روضة الصفا میرخواند^{۱۹} (۱۷۹۳) منتشر کرد.

دو ساسی، که برای تحقیقات ایران‌شناسی خویش به محلی در نزدیکی شهر پاریس رفته بود تا از عذاب دوران وحشت^{۲۰} دور بماند، نه تنها اجر مادی که اجر معنوی هم نیافت؛ چون نتایج تحقیقات را به هزینه خود منتشر کرد و فرهنگستان کتیبه‌ها و ادبیات، که او در سال ۱۷۹۲ به عضویت آن انتخاب شده بود، در این ایام پرتلاطم وضع مطلوبی نداشت (Ibid, p. 208). مع الوصف، او تحقیقات ایران‌شناسی خود را پی گرفت. دو ساسی، پیش از آن، در سال ۱۷۸۷، شرح کوتاهی درباره نسخه‌های خطی پندنامه منسوب به عطار^{۲۱} محفوظ به شماره‌های ۲۶۱، ۳۲۹، و ۳۴۳ در کتابخانه ملی پاریس

14) *Mémoire sur les antiquités de la Perse. Premier mémoire sur les monuments de Nakshi-Roustam* (1787)

15) *Mémoire sur les inscriptions arabes et persanes de Tchélhel-Minar* (1788)

16) *Mémoire sur les médailles des rois de Perse de la dynastie des Sassanides* (1790)

17) *Mémoire sur les monuments et les inscriptions de Kirman-Schah et de Bi-Sutoun dans le Kurdistan* (1791)

18) Académie des Inscriptions et Belles-Lettres

19) *Mémoires sur diverses antiquités de la Perse et sur les médailles des rois de la dynastie des sassanides, suivis de l'Histoire de cette dynastie*, traduite du persan de Mirkhond (Paris, 1793)

20) Terreur

21) "Le livre des conseils, par le Scheikh Férideddin Mohammed ben Ibrahim alattar alnischabouri (Mss. pers. nos 261, 329 et 343)", in *Notices et extraits (N.E.)*, 1787, t. 1, pp. 597-603.

منتشر ساخته و وعده داده بود که ترجمه این اثر را در سال ۱۷۸۹ به پایان خواهد برد و به چاپ خواهد رساند؛ اما انقلاب کبیر فرانسه امکان نداد که او به وعده خود وفا کند. دوساسی، در همین اوان، به فکر تحقیق درباره دروزیه می‌افتد که در قرن چهارم هجری، زمان خلافت حاکم بامرالله، خلیفه فاطمی، او را خدای حی شناسانده بودند و آوازه آنها در غرب پیچیده بود و ترجمه منتشر نشده‌ای حاوی شرح عقاید آنها در کتابخانه ملی پاریس محفوظ بود (Ibid). دوساسی به نسخه خطی فاقد عنوان و تاریخ کتابت شماره ۲۶۱ توجه نمود و چکیده آن را با عنوان «تاریخ شاهان ایران، خلفا، چند سلسله، و چنگیز خان»^{۲۲} در سال ۱۷۸۹ منتشر کرد.

در سال ۱۷۹۵، مدرسه السنه شرقیه^{۲۳} در پاریس تأسیس شد و دوساسی کرسی زبان عربی را در آن کسب کرد. در سال ۱۷۹۹، نسخه‌های خطی تذکره الشعراى دولت‌شاه سمرقندی، نویسنده قرن نهم هجری، به شماره‌های ۲۴۶ و ۲۴۸-۲۵۰ محفوظ در کتابخانه سلطنتی فرانسه توجه دوساسی را جلب کرد و او به معرفی این نسخه‌ها و خود اثر در جلد ۴ تذکارها و مستخرجات (N.E.^{۲۴}) پرداخت که «تاریخ سلسله سربداران» مستخرج از شرح حال ابن یمین فریومدی (۶۸۵-۷۶۹) و «تاریخ فتوحات ابوالغازی حسین بهادرخان» مستخرج از تذکره الشعرا همچنین اسامی شاعران مذکور در تذکره را به دنبال داشت.^{۲۵} وی همچنین تذکره الشعرا یا تحفه سامی سام میرزا (وفات: ۹۷۴) را با ارائه فهرست مدخل‌های آن^{۲۶} و تاریخ یمینی، ترجمه تاریخ عتبی (۴۱۲ هـ) از زبان عربی به زبان فارسی

22) "Histoire des rois de Perse, des Khalifes, de plusieurs dynasties, et de Genghizkhan, par Nikbi ben Massoud (Ms. pers. n° 61)", Ibid, 1789, t. 2, pp. 315-385.

23) Ecole spéciale des Langues orientales vivantes

24) Notices et extraits

25) تذکره الشعرا. Histoire des poètes, par Douletschah ben Alaëddoulet algazi alsamarçandi (Mss. pers. de la Bibl. du Roi, nos. 246, pp. 248-250), A la suite se trouvent: Histoire de la dynastie des Sarbédariens, extraite de la vie de Mahmoud Ebn Yemineddin Feryoumadi; Histoire des conquêtes du sultan Aboulgazi Hossain Behadour-Khan, extraite du Tezkirat alschoara; Liste des poètes dont la vie se trouve dans ce recueil", Ibid, 1799, t. 4, pp. 220-272.

26) تحفه سامی ou تذکره الشعرا سام میرزا. Le présent sublime, ou Histoire des poètes de Sam Mirza (Ms. pers. de la Bibl. nat., n° 247). A la suite: Liste des articles contenus dans le Tezkirat al Schoara de Sam Mirza", Ibid, pp. 273-308.

به قلم ابوالشرف ناصح بن ظفر منشی جریاذقانی را، براساس نسخه خطی شماره ۶۶ محفوظ در کتابخانه ملی پاریس^{۲۷} در همان مجموعه معرفی کرد. همچنین اسلوب الشیعه و مقوای الشریعه تألیف مطهر بن محمد المقدادی را براساس نسخه خطی شماره ۲۸۹۲ و نظام التواریخ عبدالله بن عمر معروف به بیضاوی، از فقهای بزرگ قرن هفتم هجری، را براساس نسخه‌های خطی شماره‌های ۹۲ و ۱۱۷ محفوظ در همان کتابخانه^{۲۸} شناساند. دوساسی پیرو فرقه ژانسنیستی^{۳۰} مذهب کاتولیک و متدین و سلطنت طلب بود. با اعدام لوئی شانزدهم در اوایل سال ۱۷۹۳، درگرایش سیاسی او تغییری روی نداد. او، به هنگام کسب کرسی زبان عربی در مدرسه السنه شرقیه، به تبعیت از قوانین انقلاب فرانسه سوگند یاد نکرد. پس از شکست لشکرکشی ناپلئون به مصر، که عده‌ای از شاگردان دوساسی به عنوان مترجم در آن حضور داشتند، نیاز به مترجم زبان عربی محاوره‌ای افزایش یافت. از این رو، در سال ۱۸۰۳، کرسی زبان عربی، به خلاف میل دوساسی، به دوگرایش لفظ قلم و عامیانه منقسم شد و او، در نامه‌ای به وزیر کشور، از این اقدام شکوه کرد (Colin 1948, p. 105). از آنجا که ناپلئون برکفایت علمی دوساسی واقف بود و اجرای برنامه سیاسی بلندمدتی را در ایران زمان فتحعلیشاه در مد نظر داشت، در صدد برآمد کرسی مشترک زبان‌های ترکی و فارسی را در کولژ دوفرانس به دو کرسی مستقل تبدیل کند. وزیر امور خارجه او، پرنس تالیران^{۳۱} مأمور اجرای این تصمیم شد و کرسی مستقلی برای زبان فارسی تأسیس کرد که سرپرستی آن در ۴ آوریل ۱۸۰۶ به دوساسی محول و ابلاغ شد (Reinaud 1870, p. 209). وی، پیش‌تر از آن، در کولژ دوفرانس، زبان فارسی تدریس و نسبتاً تجربه اندوخته بود؛ اما سال‌ها از آن دوران گذشته بود و، در آن فاصله زمانی، آلمانی‌ها و انگلیسی‌ها در تهیه کتاب‌های درسی فارسی به پیشرفت‌هایی نایل آمده بودند.

27) *Histoire de Yemineddoula Mahmoud, fils de Sébectéghin, traduite de l'arabe en persan par Aboulschéref Nassih Mounschi Djerbadécani (Ms. pers. n° 66)*, Ibid, pp. 325-411.

28) *اسلوب الشیعه و مقوای الشریعه. La règle des Schiis et le soutien de la loi*, par Motahher ben-Mohammed al-mokdadi (Ms. pers. n° 92), Ibid, pp. 700-705.

29) *کتاب نظام التواریخ. L'ordre des chroniques, ou Chronologie de l'histoire*, par le cadhi Beïdhavi (Mss. pers. nos. 92 et 117), Ibid, pp. 672-699.

30) janséniste

31) Talleyrand

دو ساسی، پس از انقلاب ۱۷۸۹ و تعطیل شدن نامۀ دانشوران^{۳۲}، ارگان فرهنگستان کتبی‌ها و ادبیات، با نشریۀ وزین مجلۀ دانشنامه‌ای^{۳۳} همکاری مستمر یافت. وی چندین مقاله دربارهٔ سگه‌های حاوی نوشتهٔ پهلوی، آثار باستانی و کتبی‌های پرسپولیس، همچنین فرهنگ فارسی برهان قاطع منتشر کرد (Salmon 1905, pp. LXIX-LXX). او، که از سال ۱۸۰۲ به آثار عبداللطیف بغدادی، پزشک عرب، توجه یافته بود (Ibid, p. XX)، در سال ۱۸۱۰، مهم‌ترین اثر وی، الإفاده و الإعتبار را به زبان فرانسه ترجمه کرد و با حواشی مفصل به چاپ رساند^{۳۴}، و با این اقدام، می‌توان گفت عرصه‌ای نو در مطالعات شرقی گشود. او، در حوزهٔ علوم طبیعی، از همکاری ژرژ کوویۀ^{۳۵} جانورشناس و ژنه دفونتین^{۳۶} گیاه‌شناس بهره جست. (Reinaud 1870, p. 210)

در سال ۱۸۱۱، موقعیتی دست داد که دو ساسی توانست ترجمۀ پندنامۀ منسوب به عطّار به زبان فرانسه را، همراه شرح حال عطّار به فارسی و فرانسه، در جلد دوم ذخایر مشرق‌زمین (pp. 1-24, 211-233, 409-451)، که زیر نظر فُن هامر^{۳۷} دروین منتشر می‌شد، به چاپ برساند. وی، به سال ۱۸۱۳، در بررسی مقاله‌های مندرج در همین جلد نیز، دو مقاله در مجلۀ دانشنامه‌ای (pp. 193-215; pp. 435-463) منتشر ساخت.

دو ساسی به کارهایی که خاورشناسان در معرفّی شاهنامه و ترجمۀ پاره‌ها یا تصحیح و نشر بخش‌ها یا منتخبی از آن انجام می‌دادند توجه کامل نشان داده و در نقد و بررسی آنها مقاله‌هایی به چاپ رسانده است. از جملهٔ این کارهاست ترجمۀ قطعه‌ای طولانی از شاهنامه به زبان آلمانی به قلم گوئتروال^{۳۸}؛ چاپ تازه‌ای از آن در «منتخبات فارسی» مندرج در مجموعهٔ نهادهای بنیان زبان فارسی به همّت فریدریش ویلکن آلمانی^{۳۹}؛ پهلوان‌نامهٔ ایران برگرفته از شاهنامهٔ فردوسی از یوزف فُن گورس^{۴۰}؛

32) *Journal des savants*33) *Magasin Encyclopédique*34) *Relation de l'Égypte par Abd-Allatif, médecin arabe de Bagdad, Paris 1810.*

35) Georges Cuvier

36) René Desfontaines

37) Joseph von Hammer

38) Günther Wahl

39) Wilken, Friedrich, *institutiones ad fundamenta linguae persicae cum chrestomathia maximam partem ex auctoribus ineditis collecta et glossario Iocupleti, editit F. W., lipsiae, 1805, in-8°.*40) von Görres, Joseph, *Das Heldenbuch von Iran, aus dem schah-nameh des Firdussi.*

ترجمه گنت دولودلف^{۴۱} از شاهنامه؛ جلد اول شاهنامه به تصحیح متیوز لامسدن^{۴۲}. مقاله مهمی در نقد شاهنامه چاپ ترنر ماکان^{۴۳} در سال ۱۸۳۳ و دو مقاله در بررسی منتخبات شاهنامه به تصحیح فولرس^{۴۴} به قلم دو ساسی در نامه دانشوران به چاپ رسید. وی، در نقد چاپ ترنر، با اشاره به نسخه‌ای خطی متعلق به کتابخانه شاهان صفوی، که ژان اوتیر^{۴۵} از ایران آورده بود، نکات سودمندی را متذکر شد. اوتیر، که اصلاً سوئدی لیکن در خدمت دولت فرانسه بود، بیست و یک ماه، از سال ۱۷۳۷ تا سال ۱۷۳۹، در اصفهان اقامت داشت و در آنجا فارسی یاد گرفته بود. (اوتیر، ص ۱۷۳)

از دیگر کارهای دو ساسی در حوزه ایران شناسی و خاورشناسی است: مقاله «نکاتی درباره نسخه‌ای خطی به زبان عبری حاوی پاره‌ای از ترجمه عبری کلیله و دمنه یا حکایات بیدپای و تمثیل‌های سندباد و رساله‌های دیگر»^{۴۶} (۱۸۱۳)؛ کتاب کلیله و دمنه یا حکایات بیدپای به زبان عربی با مقدمه‌ای مفصل درباره منشأ آن و ترجمه‌های آن در مشرق زمین و، به دنبال آن، معلقه لبید به زبان عربی و ترجمه آن به زبان فرانسه^{۴۷} (پاریس ۱۸۱۶)؛ کلیله و دمنه، ترجمه به زبان فارسی به قلم ابوالمعالی نصرالله محمد بن عبدالحمید الغزنوی (همراه ضمیمه‌ای حاوی مستخرجی از شاهنامه درباره مأموریت برزویه به هند و کتاب کلیله)؛ ترجمه قطعه‌ای از شاهنامه؛ مستخرجی از وفیات الاعیان ابن خلکان درباره عبدالله بن مقفع؛ مستخرجی از کشف الظنون حاجی خلیفه درباره کلیله و دمنه؛ یادداشت‌های متعدد

41) Comte de Ludolf

42) Mathews Lumsden. این چاپ شاهنامه بنا بود در هشت جلد منتشر شود اما فقط همین جلد آن با مقدمه کوتاهی به زبان انگلیسی (کلکته ۱۸۱۱) انتشار یافت. (Zenkler 1846, t. 1, p. 63)

43) Macan, Turner (ed.), *The Shah Nameh*, Calcutta 1829, 4 vols.

← ترجمه این مقاله در همین شماره.

44) Vullers, Joannes Augustus (ed.), *Chrestomathia Schahnamiana*, Bonnae 1833.

45) Jean Otier

46) "Notice d'un ms. hébreu de la Bibl. imp., n°. 510, contenant un fragment de la version hébraïque de livre de *Calila et Dimna*, ou *Fables de Bidpai*, le roman intitulé *paraboles de Sendabad*, et divers autres traités", *N.E.*, 1813, t. IX, 1^{er} partie, pp. 397-466.

47) *Livre de Calila et Dimna*, ou *Fables de Bidpai*, en arabe; précédés d'un mémoire sur l'origine de ce livre et sur les diverses traductions qui en ont été faites dans l'Orient, et suivies de la *Moallaka* de Lebid en arabe et en français, Paris 1816.

درباره ترجمه‌های حکایات بیدپای و نسخه‌های خطی لاتینی کلیله و دمنه متعلق به کتابخانه سلطنتی فرانسه به شماره‌های ۸۵۰۴ و ۸۵۰۵ حاوی ترجمه‌هایی از آن کتاب؛ چاپ عیار دانش (ترجمۀ فارسی کلیله به قلم ابوالفضل علامی، وزیر اکبر شاه)، در *N.E.* (۱۸۱۸) از روی نسخه‌های خطی محفوظ در کتابخانه سلطنتی فرانسه به شماره‌های ۲۳ و ۱۰۱؛ چاپ مفرح القلوب (ترجمۀ کتاب هندی *Hitoupadésa* «اندرز نیک»)، به قلم تاج‌الدین، در *N.E.* (۱۸۱۸)، از روی نسخه خطی شماره ۳۸۶ کتابخانه سلطنتی فرانسه؛ پندنامه منسوب به فریدالدین عطار، ترجمۀ فرانسه به قلم بارون سیلواستر دو ساسی با متن اصلی به زبان فارسی و حواشی (پاریس ۱۸۱۹)، که به دوک دانگولیم^{۴۸}، فرزند و ولیعهد شارل دهم، اهدا شد؛ بررسی آموزه صوفیان یا حکمت الهی وحدت وجودی ایرانیان^{۴۹} بر اساس نسخه‌های خطی فارسی و عربی و ترکی کتابخانه سلطنتی برلن (برلن ۱۸۲۱) اثر اوگوست تولوک آلمانی^{۵۰} در دو مقاله که به سال ۱۸۲۱ در نامه دانشوران به چاپ رسید. بدین سان، پژوهش‌های دو ساسی در شاهنامه، پندنامه، و کلیله همچنین آشنائی او با انوار سهیلی، گلستان سعدی، و منتخبات فارسی و بلکین، برای کار تدریسی او زمینه مساعد و مواد مناسب فراهم آورد.

دو ساسی به کتاب‌های فارسی که، با حمایت دولت انگلستان، در هند به چاپ می‌رسید توجه مستمر داشت، چنان‌که پس از انتشار دساتیر در سال ۱۸۲۰، دو مقاله در نقد آن در مجله آسیائی (۱۸۲۱) منتشر ساخت و اصالت آن را زیر سؤال برد. همچنین وی، در پی چاپ و نشر نثر اللالی من کلام امیرالمؤمنین علی - که به صد کلمه یا مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابیطالب نیز موسوم است - از رشیدالدین وطواط و ترجمۀ آن در قرن هفدهم (آندرئا چرنینگو^{۵۱}) همچنین در اوایل قرن نوزدهم (ویلیام یول^{۵۲} ۱۸۳۲؛ گوستاو استیکل^{۵۳} ۱۸۳۲؛ لیرشت فلایشتر^{۵۴} ۱۸۳۷) در اروپا، در مقاله‌ای مفصل در نامه دانشوران (J.S., 1838, pp. 76-84)، به بررسی آنها مبادرت کرد.

48) duc d'Angoulême

49) *Doctrine des Sofis ou Théosophie panthéistique des Perses*

50) August Tholuc

51) Andrea Tscherningio

52) William Yule

53) Gustav Strickel

54) Heinrich Lebercht

دو ساسی کرسی زبان فارسی را در کولژ دو فرانس تا آخرین روزهای حیاتش حفظ کرد. آخرین جلسه درس زبان فارسی او در ۱۹ فوریه ۱۸۳۸ برگزار شد. پس از آن، وی دچار عارضه بدخیمی گردید که به بستری شدن سپس، در ۲۱ فوریه، به فوت او انجامید. به وصیتش، او را، کنار همسرش، در گورستان پرلاشز^{۵۵} به خاک سپردند (REINAUD 1870, p. 216). پس از او، ایران‌شناسی در فرانسه، به همت شاگردان برجسته‌اش، کاترمر^{۵۶}، ژوبر^{۵۷}، ژول مول^{۵۸}، گارسن دوتاسی^{۵۹}، به راه خود ادامه داد.

منابع

- اوتر، ژان، سفرنامه ژان اوتر «عصر نادرشاه»، ترجمه علی اقبالی، جاویدان، تهران ۱۳۶۸.
دو ساسی، سیلوستر، «مقدمه» بر پندنامه ← عطار نیشابوری.
عطار نیشابوری، فریدالدین، پندنامه، به تصحیح و تحشیه سیلوستر دو ساسی، ترجمه ع. روح‌بخشان، چاپ دوم، اساطیر، تهران ۱۳۸۰.
مینوی، مجتبی، پانزده گفتار، چاپ سوم، توس، تهران ۱۳۶۷.
- Blachère, Régis (1948), *Arabe littéral (1795)*, Paris.
Colin, G.S. (1948), *Arabe vulgaire (1821), ou Arabe dialectal*, Paris.
REINAUD, Joseph-Toussaint (1870), "Sacy", *Biographie Michaud*, t. 27, pp. 205-217.
SALMON, Georges (1905), *Silvestre de Sacy (1758-1838)*, t. I, Le Caire.
Schwab, Raymond (1950), *La Renaissance orientale*, Payot, Paris.
de Sacy, Silvestre (1813), "Fundgruben des orient, ou Mines de l'Orient. t. II; Vienne 1811", *Magasin Encyclopédique*, t. 4, 1^{er} art, pp. 197-215; 2^e art, pp. 434-463.
____ (1833), "le Schah-nameh ..., par Turner Macan. Calcutta 1829, 4 vol.", *Journal des savants*, pp. 34-47.
____ (1833, 1834), "Chrestomathia Schahnamiana...", P.J.A. Vullers. Bonn 1833", *Journal des savants*, 1^{er} art, pp. 719-728; 2^e art, pp. 207-218.
ZENKER, J. Theodor (1846), *Bibliotheca orientalis. Manuel de bibliographie orientale*, t. I, Leipzig.



55) Père-Lachaise

58) Jules Mohl

56) QUATREMÈRE

59) Garcin de Tassy

57) Amédée JAUBERT